

DOI: [10.71854/soc.2025-1215335](https://doi.org/10.71854/soc.2025-1215335)

Social participation and factors affecting it: A Study in the counties of Javanroud and Ravansar

Shahram Fazli¹ [0000-0003-4496-5058](https://orcid.org/0000-0003-4496-5058) 

PhD in sociology, Islamic Azad University, North Tehran branch, Tehran, Iran.

Abdulreza Adhami [0000-0002-4989-8996](https://orcid.org/0000-0002-4989-8996) 

Associate Professor of Sociology, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran.

Faizollah Nouroozi [0000-0003-1539-7541](https://orcid.org/0000-0003-1539-7541) 

Assistant Professor of Sociology, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran.

Abstract

This research aimed to investigate social participation and the factors affecting it in the less developed counties of Javanroud and Ravansar of Kermanshah province. The study's theoretical framework is derived from the opinions of experts from the old modernization school and social psychologists. The research method is a (quantitative) survey, and a questionnaire was used to collect data. The statistical population of this research is all citizens over 18 years of age living in the counties of Javanroud and Ravansar. The sample size of this research was 384 people who were selected by a multi-stage cluster sampling method. Pearson's correlation coefficient and multivariate regression were used to analyze the data. The research findings indicate the average level of social participation in the counties of Javanroud and Ravansar, and there is a significant relationship between the independent variables (dependence on the government and limited good) and the dependent variable (social participation). The regression analysis results showed that the multiple correlation coefficient was 0.260 and the independent variables explained 6.3% of the changes in the dependent variable. Among the factors affecting social participation, only the dependency on the government variable had an effect. The results showed that culture, beliefs, and social values have not changed much in the less developed areas studied. Society has remained traditional, and tradition and small elements of peasant culture strengthen social participation. The government and development experts must rely on these elements so that people, through their social participation, can achieve specific and predetermined goals and programs.

Keywords: Limited good, social participation, dependence on the government, Javanroud and Ravansar.

¹corresponding author fazelishahram@yahoo.com.

مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن: مطالعه‌ای در شهرستان‌های جوانرود و روانسر

شهرام فاضلی^۱

دانش آموخته دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران.

عبدالرضا ادهمی

دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران.

فیض‌الله نوروزی

استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران.

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۴/۲۰

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی جامعه‌شناختی مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهرستان‌های کمترتوسعه‌یافته جوانرود و روانسر استان کرمانشاه انجام شده است. چهارچوب نظری تحقیق از آرا صاحب نظران مکتب نوسازی قدیم و روانشناسان اجتماعی گرفته شده است. روش تحقیق، پیمایشی (کمی) است و از ابزار پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه شهروندان ۱۸ سال به بالای ساکن در شهرستان‌های جوانرود و روانسر است. حجم نمونه این تحقیق ۳۸۴ نفر بوده که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیری استفاده شده است. یافته‌های پژوهش، حاکی از میزان مشارکت اجتماعی متوسط در شهرستان‌های جوانرود و روانسر است و رابطه معناداری بین متغیرهای مستقل (وابستگی به دولت و محدود) با متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی) وجود دارد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد مقدار ضریب همبستگی چندگانه ۰/۲۶۰ می باشد و متغیرهای مستقل، ۶/۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می کنند و از بین عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی، فقط متغیر وابستگی به دولت تأثیر داشته است. نتایج نشان داد در مناطق کمتر توسعه یافته مورد مطالعه که فرهنگ، باورها و ارزش‌های اجتماعی، دچار تغییرات چندانی نشده‌اند و جامعه در شکل سنتی خود باقی مانده است، سنت و عناصر خرده فرهنگ دهقانی باعث تقویت مشارکت اجتماعی می شود و دولت و صاحب نظران توسعه، باید بر این عناصر تکیه کنند تا مردم با مشارکت اجتماعی-شان، به اهداف و برنامه‌های معین و از پیش تعیین شده برسند.

کلیدواژه‌ها: خیر محدود، مشارکت اجتماعی، وابستگی به دولت، جوانرود و روانسر

۱. مقدمه

مشارکت به معنای شرکت کردن در یک موقعیت زندگی اجتماعی و درگیر شدن در فعالیت‌های گوناگون است که واجد سه مؤلفه داوطلبانه بودن، یاری دادن و مسئولیت‌پذیری است. بنابراین مشارکت، جزء ضروری و جدایی‌ناپذیر زندگی روزمره زندگی هر فرد بوده و از اهمیت زیادی برخوردار است (نیکخواه و احمدی، ۱۳۹۶: ۱۶۰).

مشارکت از قدیم با زندگی افراد گره‌خورده است و توجه به این موضوع، از ۲۰۰ سال پیش در نظام‌های اجتماعی و سیاسی جوامع غربی وجود داشته است، اما حاصل این توجه و تأکید بر نقش مشارکت به عنوان یکی از عوامل اصلی و تأثیرگذار بر توسعه تا حد زیادی پس از بعد شکست راهکارها و برنامه‌های توسعه اتفاق افتاد که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ از غرب به کشورهای در حال توسعه وارد شد. در تحقیق و ارزیابی از این برنامه‌ها، استفاده نکردن از مشارکت مردم، به عنوان عامل اصلی در شکست برنامه‌های مرتبط با توسعه معرفی شده است و پس از این تحقیق و ارزیابی، استراتژی‌های توسعه از مشارکت‌های مردمی به - عنوان نیاز اصلی انسان یاد کردند. امروزه مشارکت را به عنوان یک فاکتور اصلی و جدایی - ناپذیر در امر توسعه می‌بینند و هر روز بر ضرورت و اهمیت آن بیشتر تأکید می‌کنند، به گونه‌ای که در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد سال ۱۹۹۳ آمده است: «موضوع مشارکت مردم، رفته رفته به صورت مسئله اصلی زمان ما در می‌آید» (افشانی و جنتی‌فر، ۱۳۹۵: ۷۴).

مشارکت‌های غیررسمی که سابقه‌ای طولانی مدت دارد با وجود تحولاتی که در یکصد سال اخیر اتفاق افتاده است، همچنان هم در جامعه ایران پررنگ است و با جرأت می‌توان گفت در طول تاریخ همیشه بر مشارکت رسمی و نهادمند در این سرزمین برتری داشته است. ساختن مساجد و حسینیه‌ها، برگزاری مراسم مذهبی در ایام و مناسبت‌های خاص، مشارکت در مراسم عروسی و عزا و مشارکت‌های مردم در قالب‌هایی مانند بنه و واره را می‌توان به عنوان مصداق‌هایی از مشارکت غیررسمی در این سرزمین برشمرد. با نگاه کردن به تجربه -

های مشارکتی در میان روستاییان و عشایر می‌توان دریافت که مشارکت آن‌ها بیشتر در کارهای اقتصادی و به‌عکتهایی چون جبر جغرافیایی و شرایط مرتبط با زندگانی‌شان بوده است. با گذشت زمان و در عصر جدیدتر، اولین الگوهای مشارکت که در سطح جامعه ایران به تأسی از تحولات کشورهای اروپایی به خصوص کشور فرانسه ایجاد شد، تأسیس مجلس شورای ملی و در ادامه، انقلاب مشروطه، نهضت ملی شدن صنعت نفت، تشکیل انجمن‌های بلدیه و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و در نهایت، انقلاب اسلامی سال ۵۷ و برگزاری انتخابات می‌باشد، که همه آن‌ها را می‌توان از مصادیق مشارکت‌های رسمی در کشورمان برشمرد (نوروزی و بختیاری، ۱۳۸۸: ۲۵۲-۲۵۱).

اگرچه در جامعه ایران به لحاظ تاریخی، مفهوم مشارکت و معادل‌های محلی و بومی آن مثل همیاری و تعاون قدمت زیادی در حیات فرهنگی و اجتماعی مردم دارد، اما برداشت‌های جدیدتر از مشارکت که مبتنی بر مقدم بودن عمل اجتماعی است، نه فقط سابقه زیادی ندارد، بلکه این گونه به نظر می‌رسد که در عرصه‌های مختلف، به هیچ وجه نهادینه نشده است. مشارکت در فکر و عمل مردم و مسئولان به عنوان یک رفتار بازتاب دهنده که چندان هم فعالانه نیست و به دنبال اهداف ابزاری در موقعیت‌های خاص که عمده آن‌ها سیاسی می‌باشد در پاسخ به درخواست‌های مسئولان که به دنبال کسب مشروعیت هستند، کاهش یافته است. اگر چه در سال‌های اخیر با طرح شدن مفاهیمی مانند حقوق شهروندی و جامعه مدنی و غیره، ادبیات مشارکت به معنای نوین در نظر اندیشمندان و نخبگان بسط پیدا کرده است، اما هنوز هم تا نهادینه شدن آن در سطح جامعه راه درازی در پیش دارد (نیکخواه و احمدی، ۱۳۹۶: ۱۶۰).

میزان مشارکت مردم استان کرمانشاه در دور اول و دوم انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۳، به ترتیب ۳۱/۵ و ۴۲ درصد بوده است (خبرگزاری مهر، ۱۴۰۳) و میزان مشارکت مردم جوانرود و روانسر در دور اول انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۳ به ترتیب ۲۰/۹۲ و ۲۰/۸۸ بوده است (وزارت کشور، ۱۴۰۳) و در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری همین سال

68... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۴

میزان مشارکت این شهرستان‌ها به ترتیب بوده ۲۷/۹۲ و ۳۰/۸۱ بوده است (ایرنا، ۱۴۰۳). همچنین، میزان نرخ بیکاری استان کرمانشاه در سرشماری سال ۱۳۹۵ به ۲۵/۱ درصد رسیده که در این سال استان کرمانشاه در رتبه اول بیکاری کشور قرار داشته است، در این سرشماری میانگین نرخ بیکاری کشوری ۱۲/۶ درصد اعلام گردیده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمانشاه، ۱۳۹۹: ۴۶) و میزان نرخ بیکاری شهرستان‌های جوانرود و روانسر طی این سال به ترتیب ۳۲/۶ درصد و ۳۱/۵ درصد بوده است و رتبه‌های سوم و چهارم را در بین ۱۴ شهرستان استان کرمانشاه در زمینه بیکاری داشته‌اند (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمانشاه، ۱۳۹۹: ۴۸).

علاوه بر این‌ها، پژوهش انجام شده با عنوان نقش فقر در مشارکت اجتماعی، سیاسی و آسیب‌های اجتماعی (مورد مطالعه: محلات محروم شهر جوانرود) نیز مؤید این مسأله است که مشارکت اجتماعی و سیاسی در شهرستان جوانرود پایین‌تر از حد متوسط است و پژوهشگران این تحقیق بر این باورند که در این مناطق به علت کمبود امکانات اقتصادی، مردم توان برقراری ارتباط و مشارکت اجتماعی به شکل سازمان یافته را ندارند و ارتباط آن‌ها عموماً از نوع ارتباط درون گروهی و ارتباط با اقوام و خویشاوندان و روابط جانبی ناشی از وجود آن‌ها می‌باشد. به عقیده آن‌ها، ضعف مشارکتی باعث به وجود آمدن شرایطی شده است که فراگیری فقر را تثبیت می‌کند و ضعف قابلیت‌ها در کنار ضعف بودن مشارکت، هم باعث اضافه شدن آسیب‌های اجتماعی شده است و هم قابلیت‌هایی که می‌تواند بروز و ظهور داشته باشد را پنهان می‌کند و اجازه نمی‌دهد، ظرفیت‌های بالقوه‌ای که وجود دارد، خودنمایی کند و شکوفا شود و در خدمت پیشرفت و توسعه قرار گیرد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۱).

براساس آخرین تصویب نامه در خصوص تعیین مناطق محروم و کمتر توسعه یافته در امور حمایتی هیئت وزیران (شماره: ۷۶۲۵۴/ت ۳۶۰۹۵ هـ - ۱۳۸۸/۰۴/۱۰) معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شهرستان‌های جوانرود و روانسر به عنوان مناطق محروم و

کمتر توسعه یافته در سطح استان و کشور معرفی گردیده‌اند، لذا مطالعه و بررسی در زمینه مشارکت آنان ضرورت دارد تا بتوان به نتایج راه‌گشا جهت حل مسأله توسعه‌نیافتگی دست پیدا کرد. در پژوهش حاضر می‌خواهیم بدانیم میزان مشارکت اجتماعی شهروندان شهرستان-های جوانرود و روانسر در چه وضعیتی می‌باشد؟ و عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی را در این شهرستان‌ها مورد مطالعه و آزمون قرار دهیم تا مشخص شود که چه عواملی بر کاهش مشارکت اجتماعی شهروندان شهرستان‌های جوانرود و روانسر تأثیر گذاشته‌اند؟

۲. مبانی نظری تحقیق

۱.۲. پیشینه تحقیق

پژوهش‌های مطرح شده در این قسمت با توجه به موضوع مورد بررسی این پژوهش و نزدیک به آن مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

رحمانی لشگری و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله «تحلیلی بر نقش مشارکت در توسعه پایدار اجتماعی محلات، مطالعه موردی: محلات منطقه ۸ شهر تهران» که با روش کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده‌است، بیان کرده‌اند: مشارکت اجتماعی شهروندان بر توسعه پایدار محلات اثر مثبت دارد و رابطه این متغیرها با هم معنادار است و متغیرهای اعتماد، مشارکت در فعالیت‌های محله، رضایت از محله و حس تعلق به مکان بر متغیر مشارکت اجتماعی تأثیر مثبت دارند.

احسانی و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله «ارزیابی نقش مشارکت‌های مردمی در توسعه و نگهداری فضاهای سبز شهری (مورد مطالعه شهر قوچان)» که با روش پیمایشی انجام شده‌است، بیان کرده‌اند: با افزایش توان اقتصادی شهروندان، میل آن‌ها به توسعه و نگهداری فضاهای سبز شهری به صورت قابل توجهی افزایش می‌یابد و بالا رفتن دانش محیط زیستی، عوامل اجتماعی و فرهنگ‌سازی کمک زیادی به توسعه و نگهداری فضای سبز شهر قوچان می‌نماید.

فاضلی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی (مورد مطالعه: شهرستان‌های جوانرود و روانسر)» که با روش پیمایشی و با ابزار پرسشنامه انجام شده‌است، بیان کرده‌اند که: مشارکت اجتماعی در این دو شهرستان متوسط است و رابطه معناداری بین متغیرهای مستقل (تقدیرگرایی، تحصیلات، سن و جنسیت) با متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی) وجود دارد، اما بین متغیر طبقه اجتماعی با مشارکت اجتماعی رابطه معناداری مشاهده نشد.

نیازی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «بررسی میزان اعتماد اجتماعی و پایداری نسبت به تمایل مشارکت اجتماعی شهروندان شهر کاشان» که با روش پیمایشی و با ابزار پرسشنامه انجام شده‌است، بیان کردند، متغیرهای اعتماد اجتماعی و پایداری بر تمایل به مشارکت اجتماعی مؤثرند و می‌توان تمایل به مشارکت را بر اساس این متغیرها تبیین نمود. نتایج آزمون تی نشان داد که وضعیت اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در بین شهروندان شهر کاشان متوسط و در حد مطلوب و وضعیت پایداری در بین شهروندان شهر کاشان در حد نامطلوب و ضعیف می‌باشد.

کرم پور و یوسفوند (۱۳۹۱) در مقاله «بررسی نظریه خرده فرهنگ دهقانی راجرز در روستاهای منطقه کهمان شهرستان سلسله» که با رهیافت کیفی (مصاحبه عمیق، بحث گروهی متمرکز و مشاهده مشارکتی) انجام شده‌است، بیان کردند: عناصر خرده فرهنگ دهقانی راجرز در منطقه مورد بررسی انطباق نداشته و نه تنها مانعی برای توسعه نبوده، بلکه در بعضی موارد محرک نیز بوده‌است و با توجه به یافته‌های پژوهش، خرده فرهنگ بومی و سنتی، نه به عنوان مانع و معارض، بلکه پناهگاه و رقیبی برای توسعه است. یافته‌های آن‌ها بیانگر تأثیر خرده فرهنگ محلی بر توسعه روستاهای مورد بررسی است.

احمدش، دانش مهر و شاکری (۱۳۹۰) در مقاله «بررسی رابطه بین عناصر خرده فرهنگ دهقانی و پایگاه اقتصادی- اجتماعی روستاییان در بخش لاجان شرقی شهرستان پیرانشهر» که با روش پیمایشی و با ابزار پرسشنامه و مصاحبه انجام شده‌است، بیان کردند، وضعیت عناصر

خرده فرهنگ دهقانی در جامعه مذکور و بسیاری نگرش‌ها و مفاهیم موافق توسعه، نسبتاً خوب است و به جز در موارد نادر، همانند تقدیرگرایی که در جامعه مورد بررسی بیشتر جنبه مذهبی دارد، سایر عناصر در سطح بسیار نازلی قرار دارند.

هاوران خو و شیائومی لیو^۳ (۲۰۲۵) در مقاله «مشارکت اجتماعی در اصلاحات اجتماعی: تحلیل کیفی رویه‌های عدالت در چین» که با رهیافت کیفی (مصاحبه) انجام شده- است، بیان کردند که در چین، اجرای گسترده اصلاحات اجتماعی یک استراتژی کلیدی است و این استراتژی به‌طور برجسته مشارکت اجتماعی را به‌عنوان یک عنصر حیاتی می‌بیند. این مطالعه نشان می‌دهد که اصلاح الگوی مشارکت اجتماعی تحت رهبری دولت می‌تواند استراتژی‌های مؤثرتری برای افزایش مشارکت مدنی و بهبود اثربخشی اصلاح جامعه ارائه دهد.

آلوارادو وازکز و همکاران^۴ (۲۰۲۴) در مقاله «مشارکت اجتماعی در برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت فضاهای عمومی: مورد مکزیک» که با رهیافت کیفی (مطالعه موردی) و با ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شده‌است، بیان کردند، رویکردهای بالا به پایین اغلب در مشارکت، همکاری و در نظر گرفتن بازیگران اجتماعی در فرآیند برنامه‌ریزی، طراحی و نگهداری فضاهای عمومی شکست می‌خورند. آن‌ها نشان دادند که دولت چگونه می‌تواند از مشارکت اجتماعی برای اجرای برنامه‌های مشارکتی در این فرآیند حمایت کند.

لواسور و همکاران^۵ (۲۰۲۴) در مقاله «امکان‌سنجی افزایش مشارکت اجتماعی برای سالمندان دارای معلولیت» که با رهیافت کیفی (مصاحبه) انجام شده‌است، بیان کردند، مطالعه آن‌ها با هدف انطباق کمک‌های شخصی شهروندان برای مشارکت اجتماعی برای افراد مسن دارای معلولیت و بررسی امکان‌سنجی آن انجام شد. حمایت شخصی شهروندان برای ادغام

3. Haoran Xu & Xiaomei Liu.

4. Alvarado Vazquez.

5. Levasseur.

جامعه، فرصت‌های جدیدی را برای بزرگسالان مسن نشان می‌دهد تا به یکپارچگی جامعه دست یابند و زندگی اجتماعی و منابع خود را تقویت کنند، در حالی که امکان پرداختن به اولویت جهانی «پیری خوب» را تأیید می‌کند.

بائریسویل و اوریس^۶ (۲۰۲۳) در مقاله «مشارکت اجتماعی و رضایت از زندگی در میان سالمندان: تنوع شیوه‌ها و نابرابری اجتماعی در سوئیس» که با روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه انجام شده است، بیان کردند، نتایج ما اهمیت ترکیب اشکال چندگانه مشارکت را برای رضایت از زندگی برجسته کرد و نشان داد که برخی از اشکال از جمله مشارکت در انجمن‌ها، ملاقات با خانواده یا دوستان و حضور در کلیسا بسیار معنادار هستند. هنگام مقایسه تفاوت‌های میان سالمندان، داشتن طیف وسیعی از تعاملات اجتماعی، درگیر شدن در گروه‌ها و حفظ ارتباط خصوصی با غریبه‌ها، منحصر به فردتر به نظر می‌رسد. برخلاف اهمیت جامعه‌پذیری نهادینه شده و خصوصی برای رضایت از زندگی سالمندان، سنتی‌ترین اشکال ادغام، مانند خانواده و مذهب، برای قشر آسیب‌پذیرتر حیاتی هستند.

تاکنون تحقیقات گوناگونی در خصوص مشارکت اجتماعی در بین گروه‌های مختلف در داخل و خارج کشور انجام شده است که به بررسی و تأثیر سایر متغیرها بر مشارکت اجتماعی و برعکس پرداخته‌اند، اما پژوهش‌های انجام شده در حوزه مشارکت اجتماعی در ایران، بیشتر در مناطق و شهرهای توسعه یافته و با ساختار و بافت منسجم انجام شده است و کمتر در مناطق توسعه نیافته و سنتی به بحث در خصوص مشارکت اجتماعی پرداخته شده است و به ندرت تحقیقی در خصوص مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در مناطق کم‌تر توسعه یافته و محروم انجام شده است، که در این زمینه خلاءهای پژوهشی احساس شد. از این لحاظ که تحقیق در یک بافت متفاوت (توسعه نیافته) انجام شده است، دارای نوآوری است در نتیجه، این‌ها می‌تواند وجه تمایز این تحقیق با سایر تحقیقات باشد. همچنین، براساس مطالعات پیشین ارتباط قوی بین مشارکت اجتماعی و خرده فرهنگ دهقانی وجود دارد، اما

6. Baeriswyl & Oris.

چگونگی این ارتباط در بافت توسعه نیافته ابعاد ناشناخته‌ای دارد و تحقیق بر آن است تا این ابعاد ناشناخته را روشن کند.

۲.۲. مبانی نظری پژوهش

مبانی نظری این تحقیق از آرا صاحب نظران مکتب نوسازی قدیم و روانشناسان اجتماعی گرفته شده است و از آرا آن‌ها به عنوان نظریه پشتیبان و نقشه ذهنی استفاده شده است. اندیشمندان مکتب نوسازی قدیم بر تمایز و تفکیک دو نوع جامعه سنتی و مدرن تأکید دارند، آن‌ها برای جامعه مدرن یک سری ویژگی‌ها قائل هستند که از آن جمله می‌توان، داشتن تکنولوژی‌های مدرن، ثبات سیاسی، اقتصاد پیشرفته، سازمان‌های اجتماعی با وظایف تفکیک شده، بالا بودن سطح بهداشت و درمان و تحصیلات را برشمرد. متناسب با این ویژگی‌های بیرونی و عینی، طرز تفکر و رفتار اجتماعی افراد نیز دچار دگرگونی شده و مشارکت اجتماعی و سیاسی آنان تغییر می‌کند. در مقابل این جوامع، جامعه سنتی قرار دارد که هنوز به سطح توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نرسیده است و مشکلات و مسائل ناشی از عدم توسعه، سبب مشارکت کم‌رنگ در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی می‌گردد. تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده است، نشان می‌دهد جوامع توسعه یافته و افرادی که از لحاظ اجتماعی و اقتصادی در مراتب بالاتری قرار دارند، انگیزه‌های بیشتری برای مشارکت اجتماعی و سیاسی دارند (نوروزی و بختیاری، ۱۳۸۸: ۲۵۲-۲۵۱).

با توجه به مطالب گفته شده، مشخص شد که اگر جامعه‌ای بخواهد از یک مشارکت فعال برخوردار باشد، بایستی از شکل سنتی به شکل مدرن، متجدد و نوسازی شده تغییر پیدا کند. در میان نظریه پردازان توسعه و نوسازی قدیم، از راجرز^۷ می‌توان به عنوان جامعه شناسی نام برد که با تأکید بر متغیرهای فردی و عناصر نظام‌های شخصیتی افراد، در قالب بحث خرده فرهنگ روستایی به بررسی پویای نوگرایی، مشارکت و عدم مشارکت در میان

7. Rogers.

روستاییان پرداخته است. راجرز در تحلیل خود بر ویژگی‌های روانی، انگیزشی و فردی تأکید داشته و عقیده دارد از لحاظ روانی بایستی نوعی آمادگی برای پذیرش تغییرات نو و جدید در افراد وجود داشته باشد که آن‌ها را تحت عنوان وجه نظر^۸ مطرح می‌کند. به نظر وی عناصری همانند ارزش‌ها، انگیزه‌ها و وجه نظرها - که در قالب خرده فرهنگ دهقانی طرح شده‌اند - عناصر اصلی و کلیدی برای فهم رفتار افراد به شمار می‌آیند. او عناصر خرده فرهنگ دهقانی را عناصری می‌داند که مانع پذیرش تغییرات جدید، نوآوری و همچنین نوسازی، تجدّد و مشارکت اجتماعی می‌باشد. این عناصر عبارتند از: عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی، فقدان نوآوری، تقدیرگرایی، پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات، عدم توانایی چشم پوشی از منافع آنی به خاطر منافع آتی، کم‌اهمیت دادن به عامل زمان، خانواده‌گرایی، وابستگی به قدرت دولت، محلی‌گرایی و فقدان همدلی (موسوی، ۱۳۸۴: ۳۰۴). اگر بخواهیم به جایگاه مشارکت در نظریه راجرز اشاره کنیم، از برآیند نظر وی این گونه استنباط می‌شود که مشارکت مترادف توسعه است و می‌توان مشارکت را عنصر کلیدی در فرآیند توسعه به حساب آورد، که به واسطه آن می‌توان به پیشرفت و توسعه دست یافت و سنت و عناصر خرده فرهنگ دهقانی نیز مانع رسیدن به مشارکت اجتماعی و توسعه می‌باشد. برخلاف دیدگاه‌های سنتی که جوامع دهقانی را ایستا و مقاوم در برابر تغییر می‌دانستند، صاحب نظران متأخر بر این باورند که این جوامع پویاتر و سازگارتر از آن چیزی هستند که تصور می‌شد. در اینجا به سه رویکرد مهم در این زمینه آورده شده است.

۱. خرده فرهنگ دهقانی به عنوان فرهنگی پویا و سازگار: برخی پژوهشگران مانند جیمز اسکات^۹ و تنودور شنین^{۱۰} بر این باورند که جوامع دهقانی، برخلاف تصور رایج، منفعل و بی‌تأثیر نیستند. اسکات در کتاب سلاح‌های ضعیفان نشان می‌دهد که دهقانان با استفاده از

2. Attitude.

9. Scott, J. C.

10. Shanin, T

روش‌هایی مانند کم‌کاری، شایعه‌پراکنی یا نپرداختن مالیات، در برابر قدرت‌های حاکم مقاومت می‌کنند. از سوی دیگر، شنین نیز معتقد است که دهقانان نه تنها منفعل نبوده‌اند، بلکه در برهه‌های حساس تاریخی مثل انقلاب‌ها، نقش فعال و تأثیرگذاری داشته‌اند (Shanin, 1971:54).

۲. نقد اقتصاد معیشتی و دیدن دهقانان به‌عنوان بازیگران اقتصادی فعال: برخی محققان مانند مایکل لیپتون^{۱۱} و جان هریس^{۱۲} نظریه اقتصاد معیشتی را به چالش کشیده‌اند. لیپتون در نظریه «سوگیری شهری» توضیح می‌دهد که سیاست‌های اقتصادی در بسیاری از کشورها به نفع شهرها و به ضرر روستاها بوده است. او معتقد است که دهقانان برخلاف باور عموم، فعالانه در اقتصاد شرکت می‌کنند و حتی سرمایه‌گذاری هم دارند، اما محدودیت‌های ساختاری مانع پیشرفت آن‌ها می‌شود. (Lipton, 1977:63). جان هریس نیز نشان می‌دهد که روستاهای امروزی دیگر منزوی نیستند، بلکه در اقتصاد جهانی حضور دارند و با آن در ارتباط هستند (Harris, 1982:112).

۳. تأثیر جهانی‌شدن و فناوری بر خرده‌فرهنگ دهقانی: در دهه‌های اخیر، پدیده جهانی‌شدن و پیشرفت فناوری، ساختار فرهنگی و اقتصادی جوامع روستایی را دگرگون کرده است. رابرت چمبرز^{۱۳} به تغییرات مثبتی مانند کشاورزی پایدار، کشاورزی قراردادی و استفاده از فناوری‌های نوین در کشاورزی اشاره می‌کند که باعث تحول در زندگی دهقانان شده‌اند. (Chambers, 1983:75). آرون برادی^{۱۴} نشان داده است که فناوری‌های ارتباطی مانند اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و گوشی‌های هوشمند موجب افزایش آگاهی سیاسی و اقتصادی در میان دهقانان شده‌اند (Brady, 2010: 110).

11. Lipton, M.

12. Harris, J.

13. Chambers, R.

14. Brady, A.

در ادامه مطالب گفته شده در قسمت چهارچوب نظری سعی خواهد شد، آرا صاحب نظران مکتب‌نوسازی قدیم و صاحب نظران متأخر در رابطه با متغیرهای تحقیق طرح گردد.

۲.۳. چارچوب نظری پژوهش

مشارکت اجتماعی

به اعتقاد هلی^{۱۵} مشارکت اجتماعی همان مشارکت افراد در گروه‌ها و جمع‌های خارج از خانواده و در عرصه سیاسی شامل مشارکت در گروه‌های فشار و احزاب سیاسی است. این مشارکت داوطلبانه که با عضویت فعال افراد توأم است و شامل مشارکت افراد در گروه‌های خارج از خانواده و گروه‌های فشار و سازمان سیاسی می‌باشد، هلی آنها را دو بخش تقسیم می‌کند: ۱- مشارکت رسمی یا نهادی که شامل مشارکت در انجمن‌ها، سازمان‌ها، باشگاه‌ها یا کلوپ‌ها می‌باشد. ۲- مشارکت غیرنهادی یا غیررسمی، شامل مشارکت در گروه‌هایی با فاصله‌های اجتماعی نامنظم مثل گروه‌های خیریه که برای کمک به افراد خاص و محرومان تشکیل شده است و یا شرکت در فعالیت‌هایی که به صورت سازمان یا مؤسسه نیستند، ولی می‌توان روی آن‌ها حساب باز کرد، مثل گروه‌های تفریحی، موسیقی و دوستانه که نسبتاً دائمی‌اند (هلی، ۲۰۰۱ به نقل از پیراهری، ۱۳۹۵: ۱۴۰).

وابستگی به قدرت دولتی

در بحث وابستگی به دولت نظرات متفاوتی از سوی راجرز به عنوان یکی از صاحب نظران مکتب‌نوسازی قدیم و صاحب نظران متأخر طرح شده است. راجرز بر این باور است نظر دهقانان درباره دولت محلی و ملی ترکیبی از وابستگی و دشمنی نسبت به دولت می‌باشد. از آنجایی که دهقانان خرده‌پا از امکانات ناچیزی برای خودیاری برخوردار هستند، بنابراین، نسبت به دولت وابستگی زیادی دارند. براساس تحقیقاتی که درباره دهقانان ترکیه صورت گرفته است، نبود آب زراعی و جاده‌های مناسب را از جمله مشکلات اصلی روستا ذکر شده است و دهقانان بر این باورند که بهتر کردن وضعیت و انجام اصلاحات از جمله کارهای

3. Helly.

دولت است، نه مردم روستا. وابستگی به دولت سبب شده است که روستاییان همواره روی نظرات و کمک‌های دولتی حساب بیشتری باز کنند (ازکیا، ۱۳۷۰: ۶۵).

استبدادگرایی شیوه‌ای است که معتقد به برنامه‌ریزی سلسله‌مراتبی و از بالا به پایین، هدایت از بیرون و نظام تمرکزی می‌باشد. اغلب اندیشمندان اجتماعی به ویژه صاحب نظران توسعه براین باورند که یکی از دلایل عدم توسعه روستایی استبدادپذیر بودن و وابستگی روستاییان به دولت و امکانات دولتی می‌باشد. این ویژگی‌ها سبب می‌شود که دهقانان بدون حضور و اجازه مسئولان دولتی خود را قادر به انجام کارها نبینند (ازکیا، ۱۳۷۴ به نقل از سرداریان قاسم آبادی، ۱۳۸۳: ۶۸). در ادامه به دیدگاه‌های صاحب نظران متأخر درباره وابستگی دهقانان به دولت اشاره خواهد شد.

۱. دیدگاه تقویت وابستگی به دولت:

برخی پژوهشگران، از جمله مایکل لیپتون و رابرت چمبرز، باور دارند که سیاست‌های دولتی در کشورهای در حال توسعه موجب افزایش وابستگی دهقانان به دولت شده است. به‌ویژه لیپتون در نظریه‌ای به نام «سوگیری شهری» توضیح می‌دهد که سیاست‌های اقتصادی معمولاً به نفع شهرها و صنایع طراحی شده‌اند. به همین دلیل، دولت‌ها برای جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها، یارانه‌هایی به مناطق روستایی اختصاص داده‌اند. این یارانه‌ها و همچنین وام‌ها و برنامه‌های رفاهی، باعث شده‌اند بسیاری از دهقانان برای گذران زندگی به حمایت‌های دولتی وابسته شوند. (Lipton, 1977: 50). رابرت چمبرز نیز دیدگاهی مشابه دارد. او می‌گوید برنامه‌هایی مثل توسعه روستایی، اصلاحات ارضی و یارانه‌ها، اگرچه در ظاهر حمایتی هستند، اما در عمل موجب شده‌اند که دهقانان استقلال اقتصادی خود را از دست بدهند و کمتر به نوآوری روی بیاورند. (Chambers, 1983: 75).

۲. دیدگاه‌های کاهش وابستگی به دولت

۱.۲. دیدگاه کاهش وابستگی به دولت و افزایش خودکفایی: برخی محققان دیگر، مثل جیمز اسکات و آرون برادی، بر این باورند که دهقانان به تدریج در حال فاصله گرفتن از دولت و وابستگی به آن هستند. اسکات در کتاب معروف خود، «سلاح‌های ضعیفان»، توضیح می‌دهد که دهقانان راه‌هایی پیدا کرده‌اند تا از زیر بار سیاست‌های رسمی دولت خارج شوند. آن‌ها به بازارهای محلی و غیررسمی، تعاونی‌ها و روش‌های اقتصادی خلاقانه روی آورده‌اند تا کنترل بیشتری بر زندگی خود داشته باشند. (Scott, 1985:29). از سوی دیگر، برادی معتقد است که گسترش فناوری و دسترسی بهتر به اطلاعات باعث شده دهقانان امروز بهتر بتوانند درباره آینده اقتصادی خود تصمیم بگیرند، بدون آنکه نیاز چندانی به حمایت‌های دولتی داشته باشند (Brady, 2010:110).

۲.۲. کاهش وابستگی به دولت به دلیل جهانی‌شدن و خصوصی‌سازی: در سال‌های اخیر، روند خصوصی‌سازی در بخش کشاورزی و اجرای سیاست‌های نئولیبرالی در برخی کشورها، به‌ویژه در آمریکای لاتین و آسیا، موجب کاهش حمایت‌های دولتی از دهقانان شده‌است. در نتیجه، بسیاری از کشاورزان به دنبال راه‌حل‌های تازه‌ای برای ادامه فعالیت خود رفته‌اند. آن‌ها از جمله به کشاورزی قراردادی، ورود به بازارهای جهانی از طریق تعاونی‌ها و بهره‌گیری از فناوری‌های جدید کشاورزی روی آورده‌اند (Smith, 2005:135).

تصوّر خیر محدود^{۱۶}

در بحث خیر محدود نظرات متفاوتی از سوی فاستر به عنوان یکی از صاحب نظران مکتب‌نوسازی قدیم و صاحب نظران متأخر طرح شده‌است. به نظر فاستر^{۱۷} یکی از دلایل عدم اعتماد متقابل در روابط بین دهقانان را بایستی ناشی از تصوّر خیرمحدود دانست. دهقانان بر این باور هستند که همه چیزهای مطلوب و مورد پسند در زندگی مانند امنیت، قدرت، عشق، دوستی، ثروت و زمین محدودند و مقدار موجود را نمی‌توان با قدرت دهقان اضافه

16. Limited good.

17. Foster.

کرد. در نتیجه، با توجه به محدود بودن این نعمت‌ها و نظام بسته روستا (در نتیجه انزوای جغرافیایی و سایر عوامل)، به طور منطقی جلو افتادن هر فرد به قیمت زیان دیدن سایرین تمام می‌شود. این دیدگاه یعنی اینکه، کیک محدود است و ظرف آن نیز محدود، که سبب بدگمان شدن دهقان از همسایه گرسنه‌اش می‌شود. نتیجه اینکه، اگر فردی تلاش و کوشش کند که سهم بیشتری از کیک (امکانات و نعمت‌ها) را بخورد از سهم سایرین کاسته می‌شود (ازکیا، 1370: 93). در سال‌های اخیر، این نظریه توسط برخی محققان مورد بازنگری قرار گرفته است. در ادامه، به دیدگاه‌های صاحب‌نظران متأخر درباره این مفهوم اشاره می‌شود.

۱. خیر محدود به عنوان یک ساختار ذهنی قابل تغییر: برخی محققان، مانند رابرت چمبرز و پی‌یر بوردیو^{۱۸}، معتقدند که «خیر محدود» فقط یک واقعیت اقتصادی یا اجتماعی نیست، بلکه بیشتر یک تصور ذهنی و فرهنگی است که می‌توان آن را تغییر داد. چمبرز می‌گوید که از طریق آموزش، مشارکت اجتماعی و توسعه اقتصادی، جوامع روستایی می‌توانند نگرش خود را نسبت به توزیع منابع تغییر دهند و باور به محدود بودن خیر را کنار بگذارند (Chambers, 1983: 102). بوردیو این مفهوم را در چهارچوب سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی بررسی کرده و نشان داده است که در برخی شرایط، دهقانان می‌توانند از طریق شبکه‌های اجتماعی و سرمایه‌های نمادین، خیر را بازتوزیع کنند و نگرش رقابتی ناشی از خیر محدود را کاهش دهند (Bourdieu, 1986: 245).

۲. خیر محدود در شرایط جدید اقتصادی و جهانی شدن: برخی پژوهشگران، مانند جیمز اسکات و مایکل لیتون، معتقدند که جهانی شدن و تغییرات اقتصادی باعث تقویت برخی جنبه‌های خیر محدود در جوامع روستایی شده‌اند. اسکات در پژوهش‌های خود درباره کشاورزان جنوب شرق آسیا نشان می‌دهد که سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی، خصوصی‌سازی منابع و کاهش حمایت‌های دولتی باعث شده‌است که دهقانان بیش از پیش

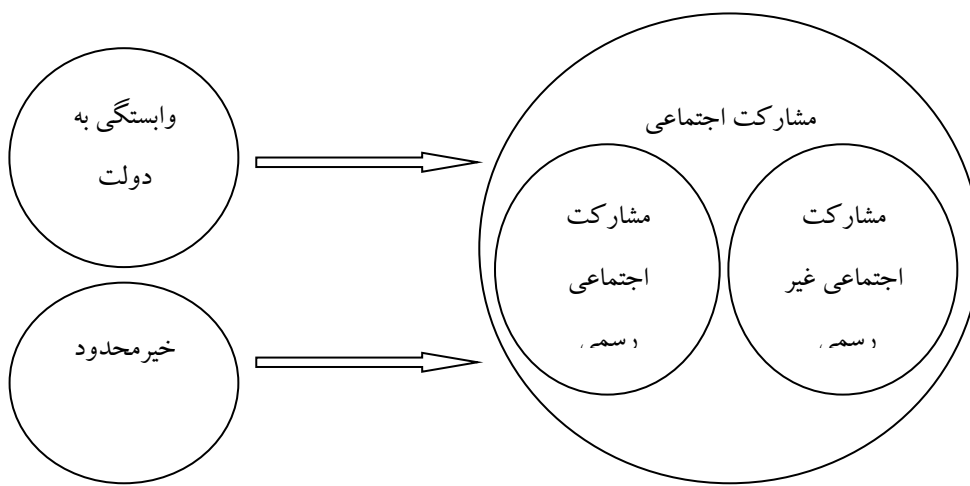
18. Bourdieu, P.

احساس کنند که منابع کمیاب‌تر شده‌اند و در نتیجه نگرش خیر محدود در میان آنان تقویت شده‌است (Scott, 1990: 87). لیپتون در نظریه «سوگیری شهری» نشان می‌دهد که توسعه شهری به ضرر جوامع روستایی بوده و احساس دهقانان از محدودیت منابع و نابرابری اقتصادی بیشتر شده‌است، که این مسأله می‌تواند به افزایش تنش‌های اجتماعی و مقاومت فرهنگی منجر شود (Lipton, 2005: 185).

۳. خیر محدود در جوامع مشارکتی و تعاونی: برخی محققان، مانند الینور استروم^{۱۹} و آرون برادی معتقدند که ساختارهای اقتصادی جایگزین مانند تعاونی‌های روستایی و کشاورزی مشارکتی می‌توانند نگرش خیر محدود را کاهش دهند. استروم در نظریه «حکمرانی منابع مشترک» نشان می‌دهد که دهقانان می‌توانند از طریق همکاری و مدیریت جمعی منابع، به درک جدیدی از خیر مشترک دست یابند و دیدگاه خیر محدود را تعدیل کنند (Ostrom, 1999: 134). برادی نشان داده‌است که دسترسی به فناوری، اطلاعات و بازارهای جهانی باعث شده‌است که بسیاری از جوامع دهقانی بتوانند با ایجاد شبکه‌های تعاونی و اقتصاد اشتراکی، تصوّر سنتی از محدودیت منابع را تغییر دهند (Brady, 2015: 24).

۲. ۴. مدل نظری پژوهش

19. Ostrom, E.



شکل (۱) مدل نظری پژوهش

با توجه به چهارچوب نظری و پیشینه‌های ذکر شده فرضیه‌های این پژوهش عبارتند از :
فرضیه ۱: اگر وابستگی به دولت در افراد افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها کاهش خواهد یافت.

فرضیه ۲: اگر تصور خیر محدود در افراد افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها کاهش خواهد یافت.

۲.۵. تعریف مفاهیم و عملیاتی شدن

در پژوهش حاضر متغیرهای مستقل، وابستگی به دولت و خیر محدود است و متغیر وابسته، مشارکت اجتماعی است که به تعریف نظری و عملیاتی آن‌ها می‌پردازیم.

تعریف نظری مشارکت اجتماعی: تعریف نظری ما از این متغیر با الهام از تعریف هلی عبارت است از مشارکت افراد در گروه‌ها و جمع‌های خارج از خانواده و در عرصه سیاسی شامل مشارکت در گروه‌های فشار و احزاب سیاسی است. این مشارکت داوطلبانه که با عضویت فعال افراد توأم است و شامل مشارکت افراد در گروه‌های خارج از خانواده، گروه‌های فشار و سازمان سیاسی می‌باشد، هلی آن‌ها را دو بخش تقسیم می‌کند:

۱- مشارکت رسمی یا نهادی که شامل مشارکت در انجمن‌ها، سازمان‌ها، باشگاه‌ها یا کلوپ‌ها می‌باشد.

۲- مشارکت غیر نهادی یا غیررسمی شامل مشارکت در گروه‌هایی با فاصله‌های اجتماعی نامنظم مثل گروه‌های خیریه که برای کمک به افراد خاص و محرومان تشکیل شده است و یا شرکت در فعالیت‌هایی که به صورت سازمان یا مؤسسه نیستند، ولی می‌توان روی آن‌ها حساب باز کرد و نسبتاً دائمی‌اند، مثل گروه‌های تفریحی و موسیقی و ... (هلی، ۲۰۰۱ به نقل از پیراوری، ۱۳۹۵: ۱۴۰).

تعریف عملیاتی مشارکت اجتماعی: مشارکت اجتماعی براساس تعریف هلی عملیاتی شده است که شامل مشارکت رسمی و غیررسمی می‌باشد. منظور از مشارکت رسمی، مشارکت در سازمان‌ها، انجمن‌ها و کلوپ‌ها (باشگاه‌ها) است. برای سنجش مشارکت رسمی از ۵ گویه محقق ساخته استفاده شده است.

منظور از مشارکت غیررسمی، مشارکت‌های اتفاقی (نامنظم) و مشارکت پایدار است. برای سنجش مشارکت غیررسمی از ۴ گویه محقق ساخته استفاده شده است.

تعریف نظری وابستگی به قدرت دولتی: تعریف نظری ما از این متغیر از راجرز گرفته شده است، دهقانان براین باورند که بهتر کردن وضعیت و انجام اصلاحات از جمله کارهای دولت است، نه مردم روستا. وابستگی به دولت سبب شده است که روستایان همواره روی نظرات و کمک‌های دولتی حساب بیشتری باز کنند (ازکیا، ۱۳۷۰: ۶۰). استبدادگرایی شیوه‌ای

است که معتقد به برنامه‌ریزی سلسله مراتبی و از بالا به پایین، هدایت از بیرون و نظام

تمرکزی می‌باشد (ازکیا، ۱۳۷۴ به نقل از سرداریان قاسم آبادی، ۱۳۸۳: ۶۸).

تعریف عملیاتی وابستگی به قدرت دولتی: وابستگی به قدرت دولتی براساس تعریف راجرز عملیاتی شده‌است. انجام کارها، شناسایی مسائل و مشکلات توسط دولت و ناظر دانستن دولت در امور اجرایی به عنوان شاخص‌های وابستگی به دولت در نظر گرفته شده‌است. برای سنجش متغیر وابستگی به قدرت دولت و استبدادگرایی از ۵ گویه استاندارد شده پژوهشگران خارجی (راجرز، مک کله‌لند و غیره) و داخلی (ازکیا، محسنی تبریزی، غفاری و غیره) پس از بومی‌سازی، استفاده شده‌است.

تعریف نظری تصور خیر محدود: تعریف نظری ما از این متغیر از فاستر گرفته شده‌است، به نظر فاستر یکی از دلایل عدم اعتماد متقابل در روابط بین دهقانان را بایستی ناشی از تصور خیر محدود دانست. دهقانان بر این باور هستند که همه چیزهای مطلوب و مورد پسند در زندگی مانند امنیت، قدرت، عشق، دوستی، ثروت و زمین محدودند و مقدار موجود را نمی‌توان با قدرت دهقان اضافه کرد (ازکیا، ۱۳۷۰: ۹۳).

تعریف عملیاتی تصور خیر محدود: خیر محدود براساس تعریف فاستر عملیاتی شده‌است. کم شدن سهم سایرین با بازدهی بیشتر در تولید و کم شدن چیزهای خوب مانند زمین و ثروت با دسترسی سایرین به آن از شاخص‌های خیر محدود می‌باشد. برای سنجش متغیر خیر محدود از ۳ گویه استاندارد شده پژوهشگران خارجی (راجرز، مک کله‌لند و غیره) و داخلی (ازکیا، محسنی تبریزی، غفاری و غیره) پس از بومی‌سازی، استفاده شده‌است.

۳. روش تحقیق

این پژوهش با روش پیمایش اجرا شده‌است. جمعیت تحقیق در این پژوهش را کلیه شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن در شهرستان‌های جوانرود و روانسر تشکیل می‌دهند که

84... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۴

براساس آخرین سرشماری انجام شده (سال ۱۳۹۵) به تعداد ۱۲۲۸۲۶ نفر (شهرستان جوانرود با ۲ بخش و ۱۰۱ روستا با جمعیت ۷۵۱۶۹ و شهرستان روانسر نیز با دو بخش و ۱۳۹ روستا با جمعیت ۴۷۶۵۷ نفر) می‌باشند. حجم نمونه در این تحقیق با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شد و تعداد آن ۳۸۴ نفر به دست آمد، که ۳۸۴ نفر مجموع دو شهر خواهد بود و پرسشنامه به تناسب جمعیت بین ۲ شهر تقسیم شده‌است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری خوشه‌ای - چند مرحله‌ای متناسب با حجم نمونه است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه بوده‌است.

در روش نمونه‌گیری خوشه‌ای برعکس دیگر روش‌های نمونه‌گیری، واحد نمونه‌گیری فرد نیست، بلکه گروه یا خوشه‌ای از افراد است و خوشه‌ها تمام‌شماری می‌شوند، یعنی همه افراد درون یک خوشه به عنوان نمونه انتخاب می‌شوند. این روش زمانی استفاده می‌شود که انتخاب خوشه‌ها آسان‌تر از انتخاب افراد است، یعنی در مورد جمعیت آماری بزرگ که معمولاً اطلاعات دقیقی از آن در دست نیست، همچنین مواردی که جمعیت تحقیق دستخوش پراکندگی جغرافیایی زیادی باشد، استفاده می‌شود (نوروزی، ۱۳۹۲: ۳۹۲).

با توجه به روش نمونه‌گیری انتخاب شده، در شهرستان روانسر، در مرحله اول بین کلیه محله‌های آن شهرستان (محله کامیاران، محله گرمه‌خانی، محله خیابان بهار، محله هواشناسی، محله تازه آباد، محله فرهنگیان قدیم و جدید ۳ فاز، محله زمین شهری، محله بلوار معلم، شهرک ویس‌القرن و شهرک گل سفید) که ده محله می‌باشد، قرعه‌کشی گردید و یک محله یعنی محله هواشناسی از بین قرعه‌ها انتخاب شد، سپس در مرحله دوم، با توجه به کوچک بودن محله و کم بودن تعداد کوچه‌های آن، کلیه کوچه‌های محله هواشناسی (کوچه شقایق ۶، کوچه شهیده فیروزه رضایی، کوچه خیام ۴، کوچه شقایق ۸، کوچه شهیده مولود کرمی و کوچه ریوار ۲) که شش کوچه می‌باشد، تمام‌شماری شد. در مرحله بعد، بین کلیه روستاهای شهرستان روانسر (۱۳۹ روستا) قرعه‌کشی گردید و از بین قرعه‌ها یک روستا یعنی روستای ده‌لیلی انتخاب شد که با مراجعه به روستای مذکور تمام‌شماری انجام شد. با توجه به اینکه

نمونه گیری خوشه‌ای - چند مرحله‌ای متناسب با حجم نمونه به عنوان روش نمونه گیری انتخاب شده بود، از بین ۴۷۶۵۷ نفر جمعیت شهرستان روانسر، تعداد ۲۸۰۸۵ نفر در شهر (۵۹ درصد جمعیت) ساکن بودند، بنابراین ۵۹ درصد پرسشنامه‌ها یعنی تعداد ۱۱۸ پرسشنامه به شهرستان روانسر اختصاص پیدا کرد و ۴۱ درصد پرسشنامه‌ها یعنی تعداد ۸۲ پرسشنامه به روستای انتخاب شده (روستای ده لیلی) اختصاص یافت و در شهرستان جوانرود نیز به همین صورت انجام شد.

پایایی ابزار تحقیق با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ^{۲۱} مورد آزمون قرار گرفت که با انجام پیش آزمون^{۲۲} مقدار آلفای کرونباخ متغیرها که شامل مشارکت رسمی (۰/۷۹۰)، مشارکت غیررسمی (۰/۷۰۸)، وابستگی به دولت (۰/۷۲۲) و خیر محدود (۰/۷۰۵) می‌باشد، مشخص شد و نشان داد که سؤالات پرسشنامه از پایایی خوبی برخوردار است. اعتبار ابزار تحقیق با استفاده از اعتبار صوری^{۲۳} به دست آمد یعنی برای افزایش اعتبار از نظرات استاد راهنما، استاد مشاور و سایر کارشناسان پژوهشی استفاده شد و آن‌ها تأیید کردند که پرسشنامه (وسیله اندازه گیری) به طور واقعی آن چیزی را که محقق می‌خواهد اندازه گیری کند، اندازه می‌گیرد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS استفاده شده است. در بخش ویژگی‌های جامعه مشارکت کننده در پژوهش، پژوهشگر ویژگی‌های جامعه مشارکت کننده را توصیف می‌کند و در بخش آزمون فرضیه‌ها، جهت تعیین همبستگی متغیر مشارکت اجتماعی با متغیرهای وابستگی به قدرت دولتی و خیر محدود از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیری استفاده شده است.

۴. یافته‌های پژوهش

-
1. Cronbach's alpha.
 2. Pre-test.
 3. Content validity.

۴. ۱. ویژگی‌های جامعه مشارکت‌کننده در پژوهش

برای توضیح و توصیف ویژگی‌های جامعه مشارکت‌کننده در پژوهش از جداول 1 و 2 استفاده شده‌است که نتایج در قالب آن‌ها نمایش داده شده‌است.

جدول ۱. توزیع درصد فراوانی پاسخگویان به تفکیک تحصیلات، جنسیت، سن، وضعیت تأهل و طبقه اجتماعی				
نام متغیر	طبقات متغیر	فراوانی	درصد	درصد معتبر
تحصیلات	بی‌سواد	7	1/8	1/8
	ابتدایی	19	4/9	4/9
	سیکل	41	10/7	10/7
	دیپلم	102	26/6	26/6
	کاردانی	50	13/0	13/0
	کارشناسی	125	32/6	32/6
	کارشناسی ارشد و بالاتر	40	10/4	10/4
جنسیت	مرد	241	62/8	62/8
	زن	143	37/2	37/2
سن	30 سال و کمتر از 30 سال	178	46/4	46/4
	31 تا 40 سال	125	32/6	32/6
	41 تا 50 سال	58	15/1	15/1
	بالاتر از 50 سال	23	6/0	6/0
وضعیت تأهل	مجرد	158	41/4	41/4
	متأهل	221	57/6	57/6
	بدون همسر در اثر فوت	0	0	0
	بدون همسر در اثر طلاق	5	1/3	1/3
طبقه اجتماعی	پایین	153	39/8	39/8
	متوسط	111	28/9	28/9
	بالا	120	31/3	31/3

مطابق جدول (۱)، در بررسی حاضر در مجموع می‌توان گفت بیشتر پاسخگویان دارای تحصیلات دانشگاهی، مرد، در گروه سنی ۳۰ سال و کمتر از ۳۰، متأهل و از طبقه اجتماعی پایین بودند.

جدول ۲. توزیع درصد فراوانی و میانگین پاسخگویان به تفکیک متغیرهای مشارکت اجتماعی و ابعاد آن، وابستگی به دولت و

خیر محدود

نام متغیر	طبقات متغیر	فراوانی	درصد	درصد معتبر	میانگین
مشارکت اجتماعی رسمی	پایین	180	46/9	46/9	متوسط به پایین
	متوسط	145	37/8	37/8	
	بالا	59	15/4	15/4	
مشارکت اجتماعی غیررسمی	پایین	38	9/9	9/9	متوسط به بالا
	متوسط	159	41/4	41/4	
	بالا	187	48/7	48/7	
مشارکت اجتماعی (رسمی و غیررسمی)	پایین	100	26/0	26/0	متوسط
	متوسط	199	51/8	51/8	
	بالا	85	22/1	22/1	
وابستگی به دولت	پایین	185	48/2	48/2	متوسط به پایین
	متوسط	154	40/1	40/1	
	بالا	45	11/7	11/7	
تصور خیر محدود	پایین	238	62/0	62/0	متوسط به پایین
	متوسط	111	28/9	28/9	
	بالا	35	9/1	9/1	

مطابق جدول (۲)، در خصوص متغیر مشارکت اجتماعی رسمی، میانگین نظرات پاسخگویان در خصوص این متغیر متوسط به پایین است. میانگین متغیر مشارکت اجتماعی غیررسمی، متوسط به بالا است. در خصوص متغیر مشارکت اجتماعی که از ترکیب متغیرهای مشارکت رسمی و غیررسمی سنجیده شده است، میانگین، متوسط است. در خصوص متغیر وابستگی به دولت، میانگین متوسط به پایین است و در خصوص متغیر خیر محدود هم میانگین متوسط به پایین است.

۲.۴. آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون‌های دو متغیره (ضریب همبستگی پیرسون) و برای بررسی آزمون‌های چند متغیره از تحلیل رگرسیون استفاده شده است که نتایج آن‌ها آورده شده است.

88... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۴

جدول ۳. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	ضریب تعیین
مشارکت اجتماعی	خیرمحدود	0/195	0/00	0/04
	وابستگی به دولت	0/252	0/00	0/06

آزمون فرضیه ۱: اگر وابستگی به دولت در افراد افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها کاهش خواهد یافت.

مطابق جدول (۳) و براساس آزمون همبستگی پیرسون، ملاحظه می‌گردد که بین متغیرهای وابستگی به دولت و مشارکت اجتماعی کل پاسخگویان همبستگی وجود دارد، میزان ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای وابستگی به دولت و مشارکت اجتماعی ۰/۲۵۲، حجم نمونه ۳۸۴ نفر، سطح معناداری ۰/۰۰ و سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌باشد. جهت رابطه بین وابستگی به دولت و مشارکت اجتماعی مثبت است. شدت همبستگی به دست آمده در حد کم و ضعیف است و ضریب تعیین ۰/۰۶ است که نشان می‌دهد متغیر وابستگی به دولت، ۶ درصد از واریانس مشارکت اجتماعی را تبیین می‌کند، نتایج نشان می‌دهد با افزایش میزان وابستگی به دولت، مشارکت اجتماعی تا حد کمی افزایش پیدا خواهد کرد. بنابراین فرض (H0) را رد و فرض (H1) را می‌پذیریم.

آزمون فرضیه ۲: اگر تصور خیر محدود در افراد افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها کاهش خواهد یافت.

مطابق جدول (۳) و براساس آزمون همبستگی پیرسون، ملاحظه می‌گردد که بین متغیرهای خیرمحدود و مشارکت اجتماعی کل پاسخگویان همبستگی وجود دارد، میزان ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای خیرمحدود و مشارکت اجتماعی ۰/۱۹۵، حجم نمونه ۳۸۴ نفر، سطح معناداری ۰/۰۰ و سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌باشد. جهت رابطه بین

متغیر خیر محدود و مشارکت اجتماعی مثبت است. شدت همبستگی به دست آمده در حد کم و ناچیز است و ضریب تعیین $0/04$ است که نشان می‌دهد متغیر خیر محدود، 4 درصد از واریانس مشارکت اجتماعی را تبیین می‌کند، نتایج نشان می‌دهد با افزایش میزان خیر محدود، مشارکت اجتماعی تا حد ناچیزی افزایش پیدا خواهد کرد. بنابراین فرض (H_0) را رد و فرض (H_1) را می‌پذیریم.

تحلیل رگرسیون این امکان را برای محقق فراهم می‌کند تا تغییرات متغیر وابسته را از طریق متغیرهای مستقل پیش‌بینی و سهم هر یک از متغیرهای مستقل را در تعیین متغیر وابسته تبیین کند. شرط استفاده از رگرسیون، تایید شدن پیش فرض‌های آن است که به شرح زیر می‌باشد:

- بین متغیرهای مشارکت اجتماعی و وابستگی به دولت و خیر محدود رابطه خطی و مثبت وجود داشت.

- سطح سنجش متغیر ملاک (مشارکت اجتماعی) و متغیرهای پیش‌بین (وابستگی به دولت و خیر محدود) فاصله ای / نسبی است.

- بالا بودن حجم نمونه که حداقل 10 برابر تعداد متغیرهای پیش‌بین است.

- بین متغیرهای مستقل رابطه خطی چندگانه وجود نداشت و میزان ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر مستقل $0/57$ بود که احتمال وجود رابطه هم‌خطی چندگانه بسیار کم است (زمانی که همبستگی بین دو متغیر $0/70$ یا بالاتر باشد نباید آن‌ها را در رگرسیون یا هر تحلیل چند متغیری دیگر با هم به کار برد).

برای اندازه‌گیری میزان تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل از آزمون تحلیل رگرسیون چند متغیره و متد همزمان^{۲۴} استفاده شده است؛ مطابق جدول (۴) مقدار ضریب همبستگی چندگانه $0/260$ به دست آمده است که نشان دهنده همبستگی ضعیف بین مقادیر

90... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۴

واقعی و مقادیر مشاهده شده‌ی متغیر وابسته است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده 0/063 است و این بدین معنا است که متغیرهای مستقل مدل توانسته‌اند ۶/۳ درصد از واریانس متغیر وابسته را پیش‌بینی کنند و به عبارت دیگر ۶/۳ درصد از سهم واریانس متغیر مشارکت اجتماعی ناشی از متغیرهای مستقل (وابستگی به دولت و خیرمحدود) است.

جدول ۴. خلاصه مدل رگرسیون چند متغیره

شاخص‌های آماری	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد تخمین
مقادیر	0/260	0/067	0/063	7/73078

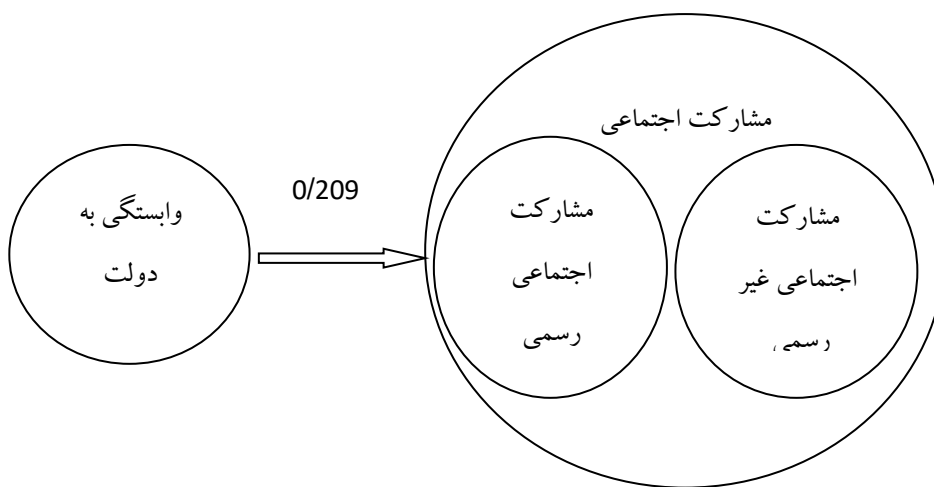
مطابق جدول (۵)، نتایج نشان داد که متغیر وابستگی به دولت با ضریب بتای استاندارد شده ۰/۲۰۹ با جهت تأثیر و پیش‌بینی‌کنندگی مثبت بر مشارکت اجتماعی اثر دارد؛ متغیر خیرمحدود تأثیر معناداری ندارد.

جدول ۵. میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی)

متغیرها	ضرایب استاندارد نشده	ضرایب استاندارد شده	مقدار T	سطح معناداری
	B	Std. Error	Beta	
وابستگی به دولت	0/385	0/103	0/209	3/466
خیر محدود	0/210	0/167	0/076	1/261
				0/001
				0/208

مطابق شکل (۲) که مدل رگرسیونی پژوهش می‌باشد، می‌توان متغیرهای باقیمانده در مدل را مشاهده کرد و با استفاده از وزن بتا می‌توان مقدار اثر هر متغیر را تعیین کرد. در این

تحقیق متغیر باقیمانده در مدل عبارت است از وابستگی به دولت و با توجه به این که متغیر خیر محدود تأثیر معناداری ندارد از مدل حذف شده است.



شکل (۲) مدل رگرسیونی پژوهش

۵. نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی جامعه‌شناختی مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهرستان‌های کمتر توسعه یافته جوانرود و روانسر استان کرمانشاه انجام شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد میزان مشارکت اجتماعی در سطح شهرستان‌های مورد مطالعه در سطح متوسط است. با توجه به اینکه متغیر مشارکت اجتماعی از ترکیب متغیرهای مشارکت رسمی و غیررسمی سنجیده شده است، با بررسی‌های انجام شده و به صورت دقیق می‌توان گفت میزان مشارکت غیررسمی در این جوامع در سطح متوسط به بالا می‌باشد اما میزان

مشارکت رسمی آن‌ها در سطح متوسط به پایین می‌باشد که نشان می‌دهد شهروندان چندان تمایلی به مشارکت در فعالیت‌های رسمی ندارند.

با توجه به اینکه دغدغه این پژوهش، پایین بودن میزان مشارکت مردم به‌ویژه مشارکت رسمی می‌باشد، دماسنج مشارکت اجتماعی در این مناطق با میزانی که نشان می‌دهد، می‌تواند هشدار برای مسؤولان باشد تا با داشتن راهکارهای مناسب از سقوط بیشتر مشارکت اجتماعی جلوگیری کنند. مشارکت‌های غیررسمی از قدیم در میان عشایر، روستاییان و حتی شهرنشین‌ها وجود داشته و مشارکت در مراسمات عزا و شادی و کمک به مردم آسیب دیده و پرداخت صدقه و غیره از طریق خانواده و اطرافیان در وجود افراد نهادینه شده است و سبب شده تا بعد غیررسمی مشارکت پررنگ‌تر از بعد رسمی باشد و بروز و ظهور بیشتری داشته باشد. بنابراین نتایج این تحقیق با بسترهای تاریخی و فرهنگی در جامعه ما سنخیت دارد، اما مشارکت در کارهای رسمی به آگاهی و آموزش نیاز دارد و آموزش و بالا بردن سطح اطلاعات، دانش و آگاهی افراد می‌تواند سبب بالارفتن مشارکت آن‌ها در بعد رسمی گردد. اهمیت و ارزش بالای مشارکت رسمی در سطح جامعه باید به صورت مستقیم و غیرمستقیم در وجود افراد نهادینه شود، به گونه‌ای که افراد از زمان کودکی روحیات مشارکت‌پذیری را داشته باشند و این ارزش‌ها از طریق خانواده و مدارس در وجود آن‌ها نهادینه و درونی شود تا بتوانند در فعالیت‌های رسمی مانند انجمن‌ها و تعاونی‌ها و غیره مشارکت داشته باشند.

نتایج حاکی از این است که بین وابستگی به دولت با مشارکت اجتماعی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد و با افزایش میزان وابستگی به دولت، مشارکت اجتماعی افزایش پیدا می‌کند که با نتایج پژوهش کرم‌پور و یوسفوند (۱۳۹۱) همسو می‌باشد. راجرز است معتقد است با افزایش وابستگی به دولت، مشارکت اجتماعی کاهش پیدا می‌کند. نتایج نشان می‌دهد در صورتی که دولت بتواند اعتماد مردم را جلب کند، وابستگی و اعتماد آن‌ها به دولت بیشتر می‌شود، مردم از طرح‌های دولت برای فعالیت‌های کشاورزی، نوآوری‌های زاراعی و همچنین بهبود و اصلاح کارها مانند کشیدن جاده مناسب و ... استقبال می‌کنند و دولت می‌تواند

تواند مشارکت مردم را در پیشبرد طرح‌های ملی و منطقه‌ای در کنار خود داشته باشد. اگر مانند جامعه ژاپن، افراد اندیشمند و خوش فکر پشتیبان دولت باشند، مردم می‌توانند از راهنمایی‌های دولت برای پیشرفت در سطح منطقه استفاده کنند و روی کمک‌های دولتی حساب کنند. برعکس نظر راجرز که معتقد است در جامعه دهقانی و کمتر توسعه‌یافته، وابستگی به دولت زیاد است، پایین بودن وابستگی به دولت در سطح جامعه مورد مطالعه نشان می‌دهد مردم، بیشتر مشکلات خود را با مشارکت اجتماعی و کمتر با وابستگی به دولت حل می‌کنند، بافت تاریخی و موقعیت‌های تبارشناسی منطقه نیز نشان می‌دهد که مردمان کرد در طول سالیان دور و دراز و حتا در وقایعی ناگوار مانند جنگ تحمیلی که در طی چند دهه اخیر اتفاق افتاده است، حل مشکلات و دفاع از سرحدات و مرزها را وظیفه خود دانسته و زن و مرد و کوچک و بزرگ برای حل و فصل مشکلات‌شان حاضر شده‌اند. می‌توان این گونه نتیجه‌گیری کرد که با توجه به مرزی بودن و کم بودن کمک‌های دولتی در این مناطق، مردم نیز به این باور رسیده‌اند که بایستی به خود اتکا کنند و با یاری و مشارکت همدیگر مشکلات را حل و فصل کنند. در خصوص استبدادپذیری پایین مردم این منطقه، نتایج نشان می‌دهد مردم به فعالیت‌های یک طرفه، سلسله‌مراتبی و از بالا به پایین اعتقاد چندانی ندارند و خواهان این موضوع هستند که در فعالیت‌های اجرایی و مشارکتی، نقش داشته باشند. همچنین مشارکت‌های غیررسمی مردم این مناطق، به صورت مستقل و گاه‌آبدون حمایت‌های دولتی که در این مناطق نسبت به سایر مناطق استان کرمانشاه نمود بیشتری دارد، همه می‌تواند حاکی از وابستگی پایین آن‌ها به دولت باشد.

نتایج نشان می‌دهد بین خیر محدود با مشارکت اجتماعی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد و با افزایش میزان خیر محدود، مشارکت اجتماعی افزایش پیدا می‌کند. فاستر معتقد است با افزایش خیر محدود، مشارکت اجتماعی کاهش پیدا می‌کند، اما بر خلاف نظر وی با بالارفتن تصور خیر محدود، مردم منطقه به همکاری و مشارکت می‌پردازند تا بر مشکلات

غلبه کنند و به رفاه برسند. با توجه به سبک زندگی مردم این منطقه که همچنان فرهنگ ایلی، عشایری و طایفه‌ای توأم با آموزه‌های دینی قوت دارد، مردم ترجیح می‌دهند به همکاری و مشارکت پردازند تا بر مشکلات فایق بیایند و سؤال این است که همکاری و تعاون چه تأثیری بر خیر محدود دارد؟ همکاری و تعاون باعث بهبود وضعیت، آسایش و رفاه و در نهایت پایین آمدن تصور خیر محدود می‌شود. نقطه مقابل خیر محدود، فراوانی در ثروت، زمین، عشق، سلامتی و امنیت است که با مشارکت اجتماعی و تعاون، میزان آن‌ها در سطح جامعه زیاد می‌شود. برعکس نظریه فاستر که معتقد است در جوامع دهقانی، کشاورزی و کمتر توسعه یافته اعتقاد به خیر محدود زیاد است، در جامعه مورد مطالعه اعتقاد به خیر محدود در سطح پایین است که در این زمینه با نتایج پژوهش احمدرش، دانش مهر و شاکری (۱۳۹۰) همسو می‌باشد. به نظر می‌رسد، افزایش امکانات و رفاه در سطح جامعه مورد مطالعه باعث شده که تصور خیر محدود کم‌رنگ شود، شهرستان جوانرود با موقعیت‌های تجاری که دارد باعث افزایش رفاه در بین ساکنان و پایین آمدن تصور خیر محدود شده‌است. در شهرستان روانسر نیز اکثر ساکنان در کنار شغل کشاورزی در مشاغل دیگری فعالیت دارند که موجب تأمین نیازمندی‌های آن‌ها و افزایش رفاه نسبی شده‌است.

اگر بخواهیم به دستاورد این تحقیق اشاره کنیم و اینکه قرار است با این تحقیق، چه چیزی به بحث مشارکت اجتماعی اضافه شود و حرف نو تحقیق در این بافت متفاوت (کمتر توسعه یافته) چیست؟ باید به صراحت اعلام کرد در مناطق کمتر توسعه یافته (شهرستان‌های مورد مطالعه) که فرهنگ، باورها و ارزش‌های اجتماعی دچار تغییرات چندانی نشده‌اند و جامعه در شکل سنتی خود باقی مانده است، برخلاف تئوری‌های صاحب نظران مکتب نوسازی قدیم، سنت و عناصر خرده فرهنگ دهقانی، نقطه قوت می‌باشد و باعث تقویت مشارکت اجتماعی می‌شود و توسعه را در این مناطق رقم می‌زند، دولت و صاحب نظران توسعه، باید بر این عناصر تکیه کنند تا مردم با مشارکت اجتماعی‌شان، به اهداف و برنامه‌های معین و از پیش تعیین شده برسند.

نتیجه و خروجی این تحقیق نشان می‌دهد که در شهرستان‌های جوانرود و روانسر، مشارکت اجتماعی در سطح متوسط قرار دارد، که با نتایج پژوهش نیازی و همکاران (۱۴۰۱) و فاضلی و همکاران (۱۴۰۲) همسو می‌باشد. میزان مشارکت غیررسمی (مانند کمک‌های محلی و حضور در مراسمات) قوی‌تر از مشارکت رسمی (مانند عضویت در انجمن‌ها) است که این امر ریشه در فرهنگ تاریخی و عشایری منطقه دارد. برخلاف نظریه راجرز، مردم این منطقه به دلیل مرزی بودن و کمبود حمایت‌های دولتی بیشتر به خود متکی هستند و به مشارکت اجتماعی می‌پردازند تا به دولت وابستگی داشته باشند. آن‌ها همچنین استبدادپذیری پایینی دارند و تمایلی به فعالیت‌های سلسله‌مراتبی و از بالا به پایین ندارند، بلکه خواهان نقش‌آفرینی در فرآیندهای اجرایی هستند. برخلاف نظریه فاستر، باور به خیر محدود (کمبود منابع) در این منطقه باعث کاهش مشارکت اجتماعی نشده، بلکه مردم با افزایش همکاری و همیاری بر مشکلات غلبه می‌کنند.

بر اساس نتایج تحقیق، پیشنهادهای کاربردی برای تقویت مشارکت اجتماعی در مناطق کمتر توسعه‌یافته جوانرود و روانسر عبارت‌اند از: ۱. آموزش و فرهنگ‌سازی برای تقویت مشارکت رسمی: با توجه به پایین بودن سطح مشارکت رسمی در این مناطق، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی و فرهنگ‌سازی هدفمندی در مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌های محلی اجرا شود. این برنامه‌ها می‌توانند شامل آشنایی با فواید مشارکت رسمی، آموزش مهارت‌های اجتماعی و ترویج روحیه همکاری در انجمن‌ها، تعاونی‌ها و نهادهای مدنی باشند. نهادینه کردن فرهنگ مشارکت رسمی از سنین کودکی، می‌تواند در درازمدت به تقویت این نوع مشارکت منجر شود. ۲. ایجاد ساختارهای مشارکتی محلی با حمایت دولتی: با توجه به تمایل بالای مردم منطقه به مشارکت غیررسمی و وابستگی پایین به دولت، ایجاد نهادهای محلی خودگردان با پشتیبانی دولتی می‌تواند مشارکت اجتماعی را تقویت کند. دولت می‌تواند از طریق ارائه تسهیلات مالی و قانونی، از این نهادهای مردمی حمایت کرده و آن‌ها را در

پروژه‌های محلی، مانند بهبود زیرساخت‌های روستایی یا توسعه کشاورزی، مشارکت دهد. این رویکرد باعث افزایش اعتماد به دولت و مشارکت فعال مردم در توسعه منطقه می‌شود.^۳ تقویت مدل‌های اقتصادی مبتنی بر همکاری جمعی: با توجه به فرهنگ ایلی و طایفه‌ای مردم منطقه و باور پایین به خیر محدود، می‌توان از ظرفیت‌های همیاری محلی برای ایجاد تعاونی‌های تولیدی، خدماتی و کشاورزی بهره‌برد. تشکیل گروه‌های خودیاری و تعاونی‌های محلی نه تنها باعث افزایش رفاه اقتصادی و کاهش وابستگی به دولت می‌شود، بلکه همکاری و مشارکت اجتماعی را نیز تقویت می‌کند. ارائه تسهیلات بانکی کم‌بهره و حمایت از بازاریابی محصولات این تعاونی‌ها می‌تواند انگیزه مشارکت را افزایش دهد.

منابع

- احسانی، سیده ریحانه؛ سلطانی فرد، هادی؛ قدرتی، حسین و کراچی، هادی. (۱۴۰۳). "ارزیابی نقش مشارکت های مردمی در توسعه و نگهداری فضاهای سبز شهری (مورد مطالعه شهر قوچان)". محیط شناسی، ۵۰(۲)، ۱۴۷-۱۶۶.
- احمدرش، رشید؛ دانش مهر، حسین و شاکری، شاهد. (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین عناصر خرده دهقانی و پایگاه اقتصادی- اجتماعی روستاییان (بررسی موردی بخش لاجان شرقی، شهرستان پیرانشهر)". فصلنامه توسعه روستایی، ۳(۲)، ۱۴۳-۱۶۴.
- ازکیا، مصطفی. (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی. تهران: انتشارات اطلاعات.
- افشانی، سیدعلیرضا و جنتی‌فر، اکرم. (۱۳۹۵). "مقایسه میزان مشارکت اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی شهر یزد". جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۷(۳)، ۷۳-۹۶.
- افضلیان سلامی، موسی؛ زمانی مقدم، مسعود و صالحی، اسماعیل. (۱۳۹۷). "بررسی مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهرستان خواف"، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان، شماره ۲.
- پیراهری، نیر. (۱۳۹۵). "بررسی مشارکت‌های اجتماعی رسمی و غیر رسمی زنان در شهر تهران". ویژه‌نامه زن و جامعه، ۱۳۷-۱۵۶.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا). (۱۴۰۳). جزئیات دور دوم انتخابات ریاست جمهوری در استان کرمانشاه اعلام شد. قابل دسترس در: <https://www.irna.ir/news/85532091>، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۳/۱۱/۱۲.
- خبرگزاری مهر. (۱۴۰۳). میزان مشارکت در دور دوم انتخابات و آرای کاندیدها به تفکیک استان. قابل دسترس در: <https://www.mehrnews.com/news/6151658>، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۳/۱۱/۱۲.

- رحمانی لشگری، مریم؛ استعلاجی، علیرضا؛ رجبی، آزیتا و ولی شریعت پناهی، مجید. (۱۴۰۳). "تحلیلی بر نقش مشارکت در توسعه پایدار اجتماعی محلات، مطالعه موردی: محلات منطقه ۸ شهر تهران". نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۲۴ (۷۲): ۹۹-۱۱۴.
- رضایی، امید؛ احمدی، وکیل و مرادی، علی. (۱۳۹۹). "نقش فقر اقتصادی در مشارکت اجتماعی، سیاسی و آسیب‌های اجتماعی (مورد مطالعه: محلات محروم شهر جوانرود)". پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، ۷(۲۴)، ۳۷-۶۶.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کرمانشاه. (۱۳۹۹). گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان کرمانشاه سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸. تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور.
- سرداریان قاسم‌آبادی، سهیل. (۱۳۸۳). بررسی رابطه بین برخی از عناصر خرده فرهنگ دهقانی و فعالیت‌های اقتصادی تولید جانی و یا صنعتی در میان پسته‌کاران روستای قاسم‌آباد رفسنجان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- غفاری، غلامرضا. (۱۳۹۲). مدیریت شهری و مشارکت‌های اجتماعی، به اهتمام سید محمد هادی، تهران: معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران (تیس).
- فاضلی، شهرام؛ ادهمی، عبدالرضا و نوروزی، فیض‌الله. (۱۴۰۲). "بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی (مورد مطالعه: شهرستان‌های جوانرود و روانسر)". جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر، ۵(۳)، ۲۰۳-۲۱۹.
- کرم‌پور، مصطفی و یوسفوند، سامان. (۱۳۹۱). "بررسی نظریه خرده فرهنگ دهقانی راجرز (بررسی موردی: روستاهای منطقه کهمان شهرستان سلسله)". فصلنامه توسعه روستایی، ۴(۲)، ۱۳۹-۱۶۴.
- موسوی، میر طاهر. (۱۳۸۴). "تحلیل مشارکت اجتماعی در تهران (رویکرد خرده فرهنگ دهقانی راجرز)". فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، ۵(۱۹)، ۳۰۱-۳۲۷.
- نوروزی، فیض‌الله. (۱۳۹۲). روش تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: انتشارات سخنوران.
- نوروزی، فیض‌الله و بختیاری، مهناز. (۱۳۸۸). "مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن". فصلنامه علمی راهبرد، ۱۷(۴)، ۲۴۹-۲۶۹.
- نیازی، محسن؛ خدمتی، زین‌العابدین و خوش‌بیانی آرانی، فاطمه. (۱۴۰۱). "بررسی میزان اعتماد اجتماعی و پایداری نسبت به تمایل مشارکت اجتماعی شهروندان شهر کاشان". مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۱۲(۴۳)، ۳۱-۱.

نیکخواه، هدایت‌الله و احمدی، زهرا سادات. (۱۳۹۶). "بررسی عوامل فرهنگی-اجتماعی موثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان شهر بندرعباس". فصلنامه مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی، ۶(۱)، ۱۵۹-۱۸۴.

وزارت کشور. (۱۴۰۳). مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری در استان کرمانشاه آغاز شد. قابل دسترس در: <http://www.moi.ir/news/235077>. تاریخ مراجعه: ۱۴۰۳/۱۱/۱۲.

Alvarado Vazquez, S., Madureira, A. M., Ostermann, F. O., & Pfeffer, K. (2024). Social participation in planning, design, and management of public spaces: the case of Mexico. *Planning Practice & Research*, 1–32. <https://doi.org/10.1080/02697459.2024.2315391>

Baeriswyl, M., & Oris, M. (2023). Social participation and life satisfaction among older adults: Diversity of practices and social inequality in Switzerland. *Ageing & Society*, 43(6), P.p: 1259-1283.

Bourdieu, P. (1986). The Forms of Capital. In J. Richardson (Ed.), *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*. New York: Greenwood.

Brady, A. (2010). *Technology and rural transformation in the digital age*. San Francisco: Jossey-Bass.

Brady, A. (2015). Cooperative Economies and Globalization: A Consideration of the Consequences of Neoliberalism. *Journal of Rural Studies*, 39, 20–30.

Chambers, R. (1983). *Rural development approaches*. London: Longman.

Haoran Xu and Xiaomei Liu. (2025). Social Participation in Community Corrections: A Qualitative Analysis of Justice Practices in China. *Criminal Justice and Behavior*, 52(2), 197-213. <https://doi.org/10.1177/00938548241286863>

Harris, J. (1982). *Capitalism and peasant farming: Agrarian structure and ideology in northern Tamil Nadu*. New York: Routledge.

Levasseur, M., Lefebvre, H., Levert, M. J., Lacasse-Bédard, J., Lacerte, J., Carbonneau, H., & Therriault, P. Y. (2024). Feasibility of Increasing Social Participation for Older Adults with Disabilities. *Activities, Adaptation & Aging*, 48(2), 305–335. <https://doi.org/10.1080/01924788.2023.2204578>.

Lipton, M. (1977). *Urban bias in economic development*. London: Harvard University Press.

Lipton, M. (2005). Urban Bias in Development. In D. Simon (Ed.), *Fifty Key Thinkers on Development*. London: Routledge.

Ostrom, E. (1999). *Governing the Commons: The Evolution of Institutions for Collective Action*. Cambridge: Cambridge University Press.

Scott, J. C. (1985). *Weapons of the weak: Everyday forms of peasant resistance*. New Haven: Yale University Press.

Scott, J. C. (1990). *Domination and the Arts of Resistance: Hidden Transcripts*. New Haven: Yale University Press.

Shanin, T. (1971). *Peasants and peasant societies: Selected readings*. Harmondsworth: Penguin.

Smith, J. (2005). Globalization and agriculture: Impacts on rural communities. New York: Routledge.